

مجله‌ی علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه‌ی درسی»
انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران
دوره‌ی چهارم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳
صفحه‌های ۱۱۷-۱۳۰

بررسی مقوله فرهنگ و قومیت در محتوای برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

حمیده پاک‌مهر***

مرضیه دهقانی**

فرزانه زینال‌تاج*

چکیده

هدف مقاله حاضر بررسی نقش قومیت و فرهنگ در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی است. در این راستا ضمن تحلیل محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی از نظر معلمان این دوره نیز استفاده گردید. جامعه مورد بررسی در این پژوهش کلیه معلمان ناحیه دو شهرستان ارومیه و کتاب‌های دوره ابتدایی است که از بین آنها، ۲۲۳ معلم و از کتاب‌های درسی، کتاب‌های مطالعات اجتماعی پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها برای بررسی نظر آموزگاران پرسش‌نامه بود که براساس مقیاس لیکرت تنظیم گردید. برای بررسی قومیت و فرهنگ در کتاب‌های فوق چک لیستی از قومیت و فرهنگ تهیه شد. روش آماری این پژوهش تحلیل توصیفی داده‌ها است که داده‌ها با استفاده از آن گردآوری و طبقه‌بندی شده‌اند و برای تحلیل فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل واریانس استفاده گردید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که نقش قومیت و فرهنگ در کتاب مطالعات اجتماعی در حد متوسط می‌باشد و همچنین آموزگاران معتقدند که محتوای کتاب مطالعات اجتماعی در پایه سوم بیشتر از پایه‌های چهارم و پنجم به مقوله‌های قومیت و فرهنگ ایرانی اسلامی پرداخته است. همچنین در کتاب ششم به میزان متوسط و در فصول آخر تقریباً به این موضوع پرداخته شده است و تا حدودی توانسته اطلاعاتی در اختیار دانش آموزان در مورد بعضی از شهرها و قومیت‌ها و پیشینه تاریخی آنها قرار دهد.

کلید واژه‌ها: قومیت و فرهنگ، آموزش و پرورش، برنامه درسی، کتاب مطالعات اجتماعی، شهرستان ارومیه.

* کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه f.r.lz1389@gmail.com

** دکتری برنامه درسی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران، dehghani_m33@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد، hamideh.pakmehr@gmail.com

پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲

نسخه نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۱

دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۸

مقدمه

خانواده، اولین محیطی است که اگر بالگوه‌های ارزشمند و متناسب با فرهنگ جامعه همگام گردد، می‌تواند کودک را به عنوان شخصی جامعه پذیر وارد اجتماع نموده و در راستای سازندگی و مفید بودن قدم بردارد. فرهنگ^۱ خانواده نیز، از فرهنگ قومی نشأت می‌گیرد، به طوری که کودک با زبان مادری که نیاز به طیف گسترده‌ای از عناصر فرهنگی دارد (درنئی^۲، ۲۰۰۳: ۴)، در جهت ارتباط با هم‌نوعان خود گام می‌نهد. لذا، چنانچه آموزش و پرورش با نگرشها و باورهای خانواده هم جهت باشد، می‌تواند علاوه بر جامعه پذیر ساختن افراد باعث انتقال فرهنگ و خرده فرهنگ‌های قومیتی از نسلی به نسل دیگر و یا با ارزش ندادن به فرهنگ قومی، موجب شکاف و جداسدن آموزش و پرورش از خانواده شود. لذا، انتظار از آموزش و پرورش در مرحله اول این است که دانش آموزانی تربیت نماید که قابلیت سازماندهی مناسبت‌های اجتماعی و ارزشهای فرهنگی خود را داشته باشند (حسینی نسب و دهقانی، ۱۳۸۷).

مانند بسیاری از مقوله‌ها، فرهنگ نیز تعریف متعددی را شامل می‌شود. این واژه اکنون معنای پهن‌تر و ژرف‌تری از هر زمان داشته که به اسارت کلمه در نمی‌آید. از آنجایی که در مطالعه حاضر، فرهنگ، کلید واژه اصلی و مفهوم کانونی محسوب میشود و نیز به دلیل آن که تعاریف متعددی از این واژه، هادی و راهنمای پژوهش‌های تربیتی بوده است، شایسته است تا به تعاریف متعدد ارائه شده از فرهنگ پرداخته و موضع نظری نگارندگان حاضر را در خصوص تعریف فرهنگ ارائه نمود. کارتر^۳ (۲۰۰۰: ۸۶۵) معتقد است که برای هر جامعه، فرهنگ مشخصی وجود دارد که از نسلی به نسل بعدی منتقل شده است. لذا، می‌توان گفت که فرهنگ در هر جامعه‌ای، سازنده آن جامعه است (بورديو، پاسرون و مارتین^۴، ۱۹۹۷) که به عنوان واسطه‌ای در جهت انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های گوناگون قلمداد می‌شود (پورتس^۵، ۲۰۰۰: ۲). تایلور^۶ اذعان می‌دارد فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای از علوم، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و سنن و به طور خلاصه کلیه آموخته‌ها و عاداتی است که یک انسان به عنوان عضو جامعه دریافت می‌دارد. به اعتقاد مردم‌شناسان نیز فرهنگ، کل پیچیده‌ای متشکل از دانش، عقیده، اخلاق، قانون، رسم و هر

-
1. Culture
 2. Do'nyei
 3. Carter
 4. Bourdieu, P., Passeron, J., & Martin
 5. Portes
 6. TYLOR

نوع عادت دیگر است که مردم خلق می کنند و مردم را خلق می کند (میرشمشیری، ۱۳۸۹). در نهایت، به زعم ولدینگ^۱ (۲۰۱۱: ۱۰۷) فرهنگ، شیوه ای از زندگی در یک جامعه یا گروه خاصی از مردم است که شامل الگوی فکر، رفتار، مراسم، سنتها، مناسک، پوشاک و زبان و همچنین قومیت های مختلف، هنر، موسیقی و ادبیات می باشد. تعریف وی از فرهنگ، به عنوان موضع نظری پژوهشگران مطالعه حاضر می باشد. از تعاریف مطرح شده می توان چنین نتیجه گرفت که فرهنگ یک میراث اجتماعی (ونینگر و لارنو^۲، ۲۰۰۷: ۲) و به مثابه نوع خاصی از سرمایه در زمره ارزش ها و هنجارهای والای جامعه، به گونه ای نیست که فرد در مدت زمان کوتاهی کسب کند و یا انتقال دهد (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۶).

کشورایران دارای اقوام مختلف و متکثر با فرهنگ ها و آداب و رسوم مختلف می باشد. ضرورت آشنایی با این اقوام از یکسو و وحدت بین آنها از سویی دیگر، بسیار مهم می باشد، که قطعا آشنایی با فرهنگ های مختلف این قومیت ها در راستای انسجام و وحدت ملی می باشد؛ چراکه تنوع قومی پهنه فرهنگی کشورمان می تواند به عنوان یک امتیاز در جهت تقویت فرهنگ ملی محسوب گردد. هر چند، متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی معتقدند مطالعه میراث فرهنگی قوم ها و آداب و رسوم و عقاید آنها از موضوعات ضروری محسوب می شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۳، عسگریان، ۱۳۸۵، پاینار^۳، ۱۹۹۳، فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۶). و مسئله قومیت، یکی از مهمترین مسائل اجتماعی - سیاسی معاصر به شمار می آید؛ لیکن، این مهم، عمدتاً در حوزه سیاسی متبلور شده و در حوزه تربیتی مورد بی توجهی واقع شده است (فکوهی، ۱۳۸۵). در حالیکه آموزش و پرورش رسمی، می تواند با استفاده از محتویات مناسب برنامه های درسی موجب ترویج و برجسته نمودن فرهنگ کشور گردد. به اعتقاد دیکا و همکاران (۲۰۰۲: ۳۶) مقوله فرهنگ باید به طور گسترده ای در برنامه های درسی مورد استفاده قرار گیرد. با عنایت به تأثیر و تأثر برنامه درسی و فرهنگ (کرمی، سیلانه و پاک مهر، ۱۳۹۲) می توان گفت با در نظر داشتن فرهنگ در ابعاد مختلف برنامه درسی اعم از طراحی، تدوین و اجرا می توان به غنی سازی هر چه بیشتر فرهنگ نیز پرداخت (ولینسکی^۴، ۲۰۰۶: ۸۹). بالا بردن سطح آگاهی دانش آموزان برای شناختن

1. Wubbolding

2 Weininger & Lareau

3. Pinar

4 Willinsky

هویت ملی خود و اقوام و سنن مختلف موجود در کشور از طریق برنامه‌های درسی می‌تواند منجر به توسعه و گسترش ارزشهای مشترک فرهنگی گردد. این رویکرد صرفنظر از نوع قومیت و فرهنگ دانش‌آموزان سبب رشد شناختی و درک نژادی و قومی و تقویت حس اجتماعی، مشارکت مدنی و زمینه‌سازی همکاری فراگیران نیز خواهد بود (فرناندز^۱، ۲۰۰۱). از منظر دانش‌برنامه‌ی درسی، برنامه‌های درسی یک مقوله آمیخته به فرهنگ بوده که با ضرورت‌ها و اقتضائات فکری، اعتقادی و ارزشی رابطه محکمی دارد (ملکی، ۱۳۸۸: ۱). به زعم علیپور و همکاران (۱۳۸۹: ۱۳۹) زمانی برنامه‌های درسی به آموزش اثربخش تبدیل می‌شوند که دروندادهای نهادهای آموزشی با زمینه‌های فرهنگی فراگیران متناسب بوده و امکان ایجاد ارتباط بین عناصر مختلف برنامه‌ی درسی اعم از اهداف، محتواهای کتب آموزشی، استراتژی‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی با یادگیری فراهم گردد. با عنایت به بیانات مطرح شده، می‌توان ادعان داشت که توجه به مسائل فرهنگی-اجتماعی باید در مبانی نظری طراحی برنامه‌های درسی مورد توجه قرار بگیرد (صالحی عمران، ۱۳۸۷: ۱۴). البته در این خصوص، باید توجه داشت، ضرورت‌های فرهنگی در هر جامعه‌ای درجات مختلفی دارد که نظام‌ها و مؤسسات مختلف آموزشی نباید بدون توجه به این سطوح، به طراحی و تدوین برنامه‌های درسی یکسان بپردازند (ونینگر و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۴). بورديو معتقد است بازتولید فرهنگی که ناشی از برنامه‌های درسی نظام آموزشی است، از مهم‌ترین راه‌هایی بوده که از طریق آن ساختار فرهنگی، بازتولید می‌شود. به عبارت دیگر، بازتولید فرهنگی از طریق برنامه‌های درسی نظام آموزشی می‌تواند به بهترین وجه صورت پذیرد. لذا، برنامه‌ی درسی بهترین راه حلی است که تاریخ برای مسئله انتقال دانش و فرهنگ پیدا کرده است (باینگانی و کاظمی، ۱۳۸۹). هر چند، مسئله انتقال فرهنگ و ارزش‌های قومی از طرق مختلف قابل احصا است؛ لیکن، باتوجه به متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش در کشور و اهمیت کتابهای درسی و یک دست بودن آن در سراسر کشور برای همه دانش‌آموزان، یکی از مهم‌ترین راه‌های آشنایی با این اقوام، کتابهای درسی است. از آنجایی که آموزش و پرورش دوره ابتدایی به عنوان مبنا و اصل همه آموزش‌ها مطرح می‌شود و در واقع سنگ زیر بنای نظام آموزشی به شمار می‌آید توجه اساسی به این دوره اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بنابراین، محتوای کتاب‌های این دوره، اولین آگاهی‌ها را در خصوص آداب و رسوم و فرهنگ‌های اقوام مختلف در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. در

1. Fernandez

کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی برای شروع این برنامه ریزی و اقدام گردیده و یکی از رسالت اصلی آن ایجاد و افزایش علاقه به فرهنگ سرزمین و محیط زندگی در فراگیران است (دفترتالیف و برنامه ریزی کتابهای درسی).

با عنایت به اهمیت و نقش خرده فرهنگ های مختلف در تقویت فرهنگ ملی و ضرورت آشنایی دانش آموزان با آداب و رسوم خرده فرهنگ های مختلف، تحقیق حاضر با هدف بررسی میزان توجه به مولفه قومیت و فرهنگ در کتابهای درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی صورت گرفت. لذا، سؤالی اصلی پژوهش این است که مولفه های منطقی برای آموزش مقوله های فرهنگ و قومیت در برنامه های درسی مطالعات اجتماعی این دوره کدامند و آیا کتب مذکور در جهت آموزش فرهنگ ها و اقوام مختلف کشور به دانش آموزان تهیه و تدوین شده و تا چه میزان توانسته است پاسخگویی آشنایی فراگیران با فرهنگ ها و قومیت های مختلف کشور باشد؟

روش پژوهش

روش مطالعه، توصیفی-پیمایشی و همچنین با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا می باشد. جامعه آماری شامل کلیه کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (چهار کتاب پایه سوم، چهارم، پنجم و ششم) سال تحصیلی ۹۱-۹۲ و تمامی آموزگاران شهر ارومیه بودند (۵۲۸ نفر). در خصوص جامعه کتابها، تمام کتابهای مذکور مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. همچنین، تعداد ۲۲۳ نفر از معلمان ناحیه ۲ شهرستان ارومیه که درس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی را در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ تدریس می کردند به صورت تصادفی و با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران انتخاب شدند.

ابزار گردآوری دادهها: جهت بررسی نقش فرهنگ و قومیت در کتابهای دوره ابتدایی از برای بررسی کتابها از چک لیست مقوله های فرهنگ و قومیت و برای بررسی نظرات معلمان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. جهت طراحی این ابزار، پس از مطالعات وسیع، جستجو در شبکه های رایانه ای و گردآوری اطلاعات از منابع اعم از کتاب، پایان نامه و مقالات مرتبط با فرهنگ و قومیت، چک لیستی از مصادیق فرهنگ و قومیت استخراج گردید. سپس، مصادیق استخراج شده در مولفه های متعدد طبقه بندی شدند که به عنوان یکی از یافته های مطالعه در بخش بعدی به صورت بسیط شرح داده شده است. پس از تایید روایی، توسط ۳ تن از

اساتیدصاحب نظر تعلیم و تربیت، در نهایت، پرسشنامه نظرسنجی از معلمان با ۲۶ سوال در ۹ مولفه (بعد تاریخی، سرزمین، میراث فرهنگی، بعد اجتماعی، زبان و پوشش، ارزش‌های مشترک فرهنگی، روابط بین قومی، خرده فرهنگ و انتقال فرهنگی) و ۴۰ مصداق از فرهنگ و قومیت در طیف ۶ درجه‌ای لیکرت طراحی گردید. سپس، ۳۰ نمونه از پرسشنامه طراحی شده به آموزگاران مدرس درس تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی ارائه و ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ حاصل گردید. جهت تحلیل محتوای کتب مذکور در زمینه فرهنگ و قومیت، هر یک از مصدایق ۴۰ گانه واحد مورد بررسی در این تحلیل به عنوان یک مضمون، در نظر گرفته شد. اطلاعات بدست آمده با آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و استنباطی (تحلیل واریانس یکراهه) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های مطالعه

سوال اول: مولفه‌های منطقی جهت آموزش فرهنگ و قومیت در کتب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی کدامند؟

برای شناسایی آموزش مقوله‌های فرهنگ و قومیت در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، پس از مطالعات و جستجوهای وسیع در این زمینه، ۴۰ مصداق در ۹ مولفه به شرح زیر طبقه بندی گردیدند:

۱. بعد تاریخی: شامل ۳ مصداق آشنایی با حکما و اندیشمندان ایران، دانش تاریخی (حوادث و سنن تاریخی)، تعلق خاطر (احساس و عاطفه نسبت و منفی نسبت به حوادث و وقایع).
۲. سرزمین: شامل ۳ مصداق علاقه و افتخار به مرز و بوم ایران (محدوده جغرافیایی)، علاقه به پرچم و سرود، ترجیح منابع ملی و منابع قومی و فرهنگی خود.
۳. میراث فرهنگی: شامل ۷ مصداق آشنایی با میراث فرهنگی، آشنایی با نمادها و اسطوره‌های ملی، تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی، آشنایی با فرهنگ و روش زندگی ایرانی، احساس تعلق به فرهنگ و روش زندگی ایرانی، تلقی از نقش تاریخی و رسالت جهانی ایرانی، تعلق به فرهنگ و روش زندگی مسلمانی.
۴. بعد اجتماعی: شامل ۵ مصداق: علاقه به مردم ایران، تلقی فرد از صفات مردم ایران، ترجیح مردم ایران نسبت به سایر مردم دنیا، احساس وجود انسجام و همبستگی و همدلی بین مردم ایران، نگرش نسبت به شرایط زندگی اقوام در ایران

۵. زبان و پوشش: شامل ۴ مصداق رعایت زبان معیار در گفتارهای اجتماعی، پابندی به لهجه و زبان مشترک، رعایت آداب و سنتهای اجتماعی، پابندی به هنجارهای ظاهری در جامعه (پوشش و آرایش و...).
۶. ارزش های مشترک فرهنگی: شامل ۳ مصداق: دل بستگی به نمادهای ملی مشترک (سرزمین-سنتهای ملی-استقلال کشور-تاریخ کشور)، احترام به قومیت ها، احترام به مراسمات و سنن مختلف کشور.
۷. روابط بین قومی: شامل ۴ مصداق نفی قوم مداري، روابط اقتصادی یا معیشتی، اختلافات و منازعات های بین قومی، روابط فرهنگی.
۸. خرده فرهنگ: شامل ۵ مصداق: احترام به رسمیت شناختن تمایز فرهنگی زبانی، احترام به رسمیت شناختن تمایز قومی و مذهبی، پذیرش همانند گردی فرهنگی، آمیختگی فرهنگی، تعلق به وفاداری اقوام به هویت ملی.
۹. انتقال فرهنگی: شامل ۶ مصداق: پابندی به ارزشها و سنتهای ملی، مقابله با تهاجم فرهنگی، فرهنگ جهادی، بهره گیری از هنر به منظور تحقق اهداف فرهنگی، کالاها و خدمات فرهنگی متناسب با فرهنگ فردی، جلب مشارکت عمومی در حوزه فرهنگ.

سوال دوم: محتوای کتب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در خصوص پرداختن

متن، سوالات و تصاویر کتب مذکور به مبحث فرهنگ و قومیت چه وضعیتی دارد؟

جدول ۱ تحلیل محتوای کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی را نشان می دهد. همانگونه که اشاره شد، هر یک از مصادیق ۴۰ گانه فرهنگ و قومیت به عنوان یک مضمون واحد جهت تحلیل در متن و پرسش های کتب مذکور به کار گرفته شد. نتایج مندرج در جدول زیر نشان می دهد که از ۷۲۵ مضمون اختصاص داده شده به مقوله فرهنگ در کتب اجتماعی این دوره، بیشترین فراوانی متن (۱۴۲ مضمون) و پرسش ها (۴۷ مضمون) مربوط به پایه سوم و بیشترین فراوانی تصاویر مربوط به پایه ششم (۱۷۹ مضمون) بوده است. این در حالی است که در مجموع، محتوای کتاب اجتماعی پایه ششم، بیشترین (۲۳۴ مضمون) و پایه چهارم کمترین مضامین مرتبط با فرهنگ (۱۰۴ مضمون) را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۱: فراوانی و درصد مقوله فرهنگ و قومیت ارایه شده در کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی

پایه تحصیلی	متن درس		پرسش‌ها		تصاویر		جمع کل هر پایه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سوم	۱۴۲	۴۳	۴۷	۴۰	۴۵	۲۵/۱۴	۲۳۴	۳۲/۲۷
چهارم	۷۳	۱۲	۱۵	۱۰	۱۶	۸/۹۳	۱۰۴	۱۴/۳۵
پنجم	۷۵	۱۳	۳۰	۲۳/۶	۱۵	۸/۳۸	۱۲۰	۱۶/۵۵
ششم	۱۳۲	۳۲	۳۲	۲۶/۴	۱۰۳	۵۷/۵۵	۲۶۷	۳۶/۸۳
جمع کل کتاب‌ها	۴۲۲	۱۰۰	۱۲۴	۱۰۰	۱۷۹	۱۰۰	۷۲۵	۱۰۰

سوال سوم: تا چه میزان به آموزش فرهنگ و قومیت در محتوای کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی پایه‌های مختلف پرداخته شده است؟

جهت مقایسه میانگین نمرات حاصل از مقوله فرهنگ در محتوای کتب اجتماعی با میانگین مورد انتظار، داده‌های پژوهش در نقطه ۵۰٪ مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در طیف پرسشنامه، بیشترین نمره ۵ و کم‌ترین نمره ۱ می‌باشد. لازم به ذکر است که به منظور محاسبه نقطه برش ۵۰ درصدی باید بیشترین نمره پرسشنامه را از کمترین نمره پرسشنامه کم نمود؛ در عدد ۵۰ ضرب نمود و بر ۱۰۰ تقسیم کرد. در واقع آزمون تی تک نمونه‌ای که در اینجا استفاده شده است، مشخص می‌کند که آیا میانگین مشاهده شده در مقایسه با مقدار تعیین شده، یا یک عدد ثابت متفاوت است یا خیر؟ بنابراین، میانگین مورد انتظار در نقطه ۵۰ درصدی (۲) می‌باشد. نتایج مندرج در جدول ۲ حاکی از این امر است که میزان توجه به مقوله فرهنگ در محتوای برنامه درسی کتب تعلیمات اجتماعی پایه‌های سوم و ششم در حد انتظار محقق شده است؛ درحالی‌که کتاب‌های پایه چهارم و پنجم، نمره مورد نیاز را اخذ ننموده و در نمره پایین‌تر از حد انتظار قرار گرفته‌اند.

جدول ۲: نتایج مقایسه مقوله فرهنگ به تفکیک پایه تحصیلی با میانگین مورد انتظار

پایه	مقوله	انحراف معیار	میانگین	تفاوت میانگین ها	مقدار t	مقدار p	وضعیت
سوم	فرهنگ	۱/۰۲	۳/۶۲	۰/۶۲	۳/۹۱	***۰/۰۰۰	در حد انتظار
چهارم		۰/۹۵	۳/۰۳	۰/۰۳	۰/۲۲	۰/۸۲۵	پایین تر از حد انتظار
پنجم		۰/۹۹	۳/۱۰	۰/۱۰	۰/۵۴	۰/۵۸۸	پایین تر از حد انتظار
ششم		۰/۵۵	۳/۹۴	۰/۱۰	۱۰/۷۶	***۰/۰۰۰	در حد انتظار

سوال چهارم: آیا بین میانگین نگرش آموزگاران در خصوص آموزش فرهنگ و قومیت در

محتوای کتب مطالعات اجتماعی پایه های مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد؟

نتایج حاصل از آزمون آنوا جهت مقایسه توجه به آموزش مقوله فرهنگ در محتوای کتب درسی تعلیمات اجتماعی ۴ پایه مورد بررسی، حاکی از آن است که بین نظرات آنان تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0.001$), $F(4, 164) = 8.61$. به طوریکه نتایج آزمون تعقیبی ال اس دی نشان می دهد آموزش فرهنگ آموزش فرهنگ در کتب پایه سوم ($p < 0.05$) و ششم ($p < 0.05$) مورد اهتمام بیشتری قرار گرفته است. (جدول ۳).

جدول ۳: نتایج آزمون آنوا جهت مقایسه توجه به مقوله آموزش فرهنگ در کتب درسی چهار

پایه

متغیر	شاخص آماری				
	منبع تغییر	SS	df	MS	F
آموزش فرهنگ	بین گروهی	۳۱۷/۸۲	۴	۶/۶۴	۸/۶۱
	درون گروهی	۸۲۶۵/۶۵	۱۶۴	۰/۷۷	
	کل	۸۵۸۳/۴۸	۱۶۸	---	
					P
					***۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

فرهنگ کل پیچیده ای است شامل دانش و باور، هنر، قوانین، اخلاقیات و رسوم و هر گونه قابلیتها و عادات دپگری که انسان به عنوان عضوی از جامعه فرا میگیرد تیلور(۱۸۷۱). فرهنگ جامعه اساسا هویت آن جامعه است اهمیت فرهنگ و تاثیر آن بر جامعه برآگاهان بر مسائل اجتماعی

پوشیده نیست و بنا به تحقیقات و پژوهش‌هایی انجام شده از سوی محققان و پژوهشگران علوم انسانی بسیاری از معضلات به بار آمده در جهان معاصر منبعت از در حاشیه قرارگرفتن حقیقتی به نام فرهنگ بوده است و کشور ایران نیز به عنوان جامعه‌ای که دارای فرهنگ و قومیت‌های مختلف، در حال گذار یا در حال توسعه است. برای رسیدن به همه چیزهایی که آرزوی ماست و در چشم اندازه‌ها دور دست تصور می‌کنیم باید فرهنگ کشور، صحیح و پالایش شده در مجرای درست قرار بگیرد؛ نقایص تکمیل و ویرانی‌ها ترمیم شود و جاهای معیوبش اصلاح گردد (مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳). به همین منظور بایستی از ریشه برای تکامل و تصحیح مشکلات احتمالی موجود جهت رفع اقدام کرد. در حقیقت ابتدا به آموزش اصول بنیادی همت نمود که آموزش و پرورش کشور اولین و مهمترین بخش این تغییرات و تکامل را تشکیل میدهد. با توجه به تمرکز نظام آموزشی کشور، کتابهای درسی به عنوان یکی از اصلی‌ترین منبع آموزشی در نظر گرفته می‌شود که این امر توجه و دقت ویژه‌ای را در تدوین کتابها به منظور ارائه یک محتوای غنی را طلب می‌کند با این ضرورت به تحلیل کمی کتابهای مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی پرداخته است و نتایج زیر حاصل شده است.

مطالعات و تحقیقات بسیاری در سطح کشور درمورد فرهنگ و قومیت و موضوعات مشابه در این مورد صورت گرفته است یآوری (۱۳۷۳) هادی نژاد (۱۳۷۵) شاه سنی (۱۳۸۶) و مطالعات وسیع در این مورد موجب تعریف و تقسیم بندی مولفه‌های فرهنگ گردیده است. مهمترین مولفه‌های شناسایی و مقوله‌های منطقی جهت آموزش فرهنگ و قومیت در این پژوهش در ۹ گروه طبقه بندی گردید که عبارتند از بعد تاریخی، سرزمین، میراث فرهنگی، بعد اجتماعی، زبان و پوشش، روابط بین قومی، خرده فرهنگ و انتقال فرهنگی هر یک از گروهها نیز به زیر گروههای کوچکتر نیز تقسیم شدند که این پژوهش با تحقیقات و مطالعات دیگران همسو شد که عمده ترین مولفه‌های فرهنگ و قومیت را به صورت چک لیست تنظیم گردید.

باتوجه به تحلیل محتوای کتابهای فوق الذکر در خصوص تاکید محتوای کتابها و تصاویر موجود در کتابها و همچنین نتایج حاصل از سوال ۲ و ۳ پژوهش در زمینه بررسی تحلیل محتوای کتب درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی در خصوص پرداختن متن، سوالات و تصاویر کتب مذکور به مبحث فرهنگ و قومیت و میزان آموزش فرهنگ و قومیت در محتوای کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی پایه‌های مختلف حاکی از این است که کتابهای مطالعات اجتماعی تقریباً در حد متوسط است. ضمناً مقایسه میان کتابهای چهار پایه مشخص کرد که تعداد و درصد مقوله‌های مربوط به فرهنگ و قومیت در کتابهای پایه‌های سوم و ششم در حد مطلوب تر از کتابهای پایه‌های چهارم و پنجم می‌باشد. بررسی‌های پیشین نیز حاکی از این موضوع است که صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶) منصور و فریدونی (۱۳۸۷) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیدند که

محتوای کتابها در زمینه شکل دهی هویت ملی در نسل جدید نقش بسیار کمرنگی را ایفا کرده اند. به نوعی همسو با نتایج پژوهش حاضر می باشد. دریک نگاه نظام مند به فرهنگ هیچ یک از مولفه ها اولویت بندی ندارد چرا که همه مسایل فرهنگی و قومیتی به هم وابسته و پیوسته هستند پراکندگی مولفه های مربوط به فرهنگ و قومیت در کتابها یکسان نمی باشد بیشتر بر بعد تاریخی و سرزمین و میراث فرهنگی تاکید می شود؛ بنابراین باید در کتابهای مطالعات اجتماعی، به سایر مقوله های فرهنگی نیز توجه شود تناسب پراکندگی مقوله های مربوط به فرهنگ و قومیت در قسمتهای مختلف کتاب و سوالات رعایت نمایند به صورتیکه در مورد همه مولفه ها بصورت یکسان بحث و بررسی شود. به هنگام تالیف، تدوین یا اصلاح کتب درسی از نظرات آموزگاران استفاده کنند همچنین به تفاوتهای فرهنگی دانش آموزان مناطق گوناگون و فرهنگ غنی کشور و آداب و رسوم مناطق مختلف توجه کنند. به موضوعات فرهنگ و آداب رسوم کهن اسلامی و زبانها و گویش های محلی و لباسها و فرهنگ اصیل ایرانی توجه شود و مطالب کتابها با توجه به شرایط سرزمینی و ترویج فرهنگ و قومیت اصیل ایرانی تنظیم گردد. چون میزان توجه به ملاکهای توالی و مداومت میان کتابهای پایه چهارم و پنجم به نسبت پایین است، لذا پیشنهاد می شود که برنامه ریزان و مولفان به این موارد توجه بیشتری میدول نمایند. حداقل الامکان از تصاویر جذاب و با کیفیت و جدیدتری در کتابها به جای تصاویر قدیمی استفاده شود و تصاویر واضح تر و به روز تر جایگزین تصاویر قدیمی شود. همانگونه که در تحلیل کتابهای پایه ششم دبستان که برای اولین بار در ایران چاپ شده است مسائل مربوطه به فرهنگ و قومیت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. باتغییرات در کتابهای پایه های دیگر نیز می توان نقش فرهنگ و قومیت را پر رنگ تر نمود.

براساس نتایج حاصل از سوال ۴ پژوهش بین نگرش آموزگاران در خصوص آموزش فرهنگ و قومیت در محتوای کتب مطالعات اجتماعی پایه های مختلف، نیز نشان می دهد که اکثر آموزگاران پایه سوم و ششم معتقدند که کتابهای این پایه (سوم و ششم) در حد متوسط و زیاد به دانش آموزان در زمینه فرهنگ و قومیت کمک می رساند، در صورتی که آموزگاران پایه چهارم و پنجم در حد کم و متوسط به دانش آموزان کمک کنند. بررسی های پیشین نیز نشان دهنده این موضوع است که کلین سن و همکارانش (۱۹۹۸) و علیزاده (۱۳۷۹) در بررسی خود به این نتیجه رسیدند که در محتوای مواد درسی کمتر به رشد اجتماعی توجه شده است و خضریلو (۱۳۷۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که محتوای کتابها با مسایل و پدیده های اجتماعی و نیازهای جامعه مطابقت ندارد و هماهنگی لازم را با مسایل و نیازهای اجتماعی برقرار نکرده است.

آموزگاران به مواردی در سوالات باز پرسشنامه جهت ترویج فرهنگ و قومیت و معرفی فرهنگ اصیل و آداب و رسوم کهن و خرده فرهنگهای اسلامی موجود در کشور تاکید داشته و

خواستار توجه بیشتر به فرهنگ و قومیت مختلف موجود در کشور ایران بوده اند که با گردشهای علمی و معرفی موزه های مربوط به آداب و رسوم و موزه لباس و ... تاکید نموده اند و همچنین برنامه ریزی و معرفی فرهنگ منطقه ای در کتابهای موجود در آن منطقه را دارند. لذا به نظر می رسد که در صورت توجه برنامه ریزان و مولفان به موارد ذکر شده ، مطلوبیت کتابها بیشتر خواهد شد.

باتوجه به اهمیت آموزش فرهنگ و قومیت و تاثیر کتب درسی براین موضوع پیشنهاد می-

گردد:

برای آشنایی بیشتر آموزگاران با چگونگی مقوله های فرهنگ و قومیت ارائه شده در کتابها بازدید از مناطق و آداب و رسوم آن منطقه داشته تا کمکی جهت بسط و گسترش مطالب موجود در کتابها داشته باشند همچنین برای آموزگاران جهت تدریس فرهنگ و قومیت کلاسهای ضمن خدمت و بدو خدمت تشکیل شود. و همچنین در هنگام تالیف و یا اصلاح کتابهای درسی، از نظرات آموزگاران که چندین سال متمادی این دروس را آموزش داده اند و نتایج تحقیقات نیز استفاده نمایند.

تحقیق مشابهی در مورد دیگر کتابهای درسی مقطع ابتدایی انجام گیرد و میان آنها مقایسه شود و همچنین برای بررسی دقیق تر موضوع و تعمیم آنها تحقیقات مشابه دیگری در دیگر شهرستانها صورت گیرد و نتایج آنها با یافته‌های این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

الف. فارسی

۱. باینگانی، بهمن؛ کاظمی، علی. (۱۳۸۹). بررسی مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی. برگ فرهنگ، ۲۱: ۸-۲۱.
۲. روحانی، حسن (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی، فصلنامه راهبر، ۱۸ (۵۳): ۷-۳۵.
۳. حسینی نسب، سید داوود، دهقانی، مرضیه. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتب تعلیمات اجتماعی دوره راهنمایی بر اساس مهارت های اجتماعی و بررسی دیدگاه های معلمان این دوره درباره محتوای کتب فوق الذکر، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۹۴: ۷۹-۹۸.
۴. صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۸۸). رویکردهای نظری در برنامه‌های درسی آموزش صنعتی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۵ (۱۹): ۸-۴۲.

۵. عسگریان، مصطفی. (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ های قومی در تربیت شهروندی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، (۱۷)، ۱۶۲-۳۳.
۶. علیپور، وحیده؛ علم الهدی، جمیله؛ سرمدی، محمدرضا. (۱۳۸۹). جنسیت با نگاه به برنامه های درسی پنهان در آموزش های مجازی ایران: جنسیت به عنوان عامل فرهنگی، اجتماعی، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱ (۲): ۱۵۲-۱۳۴.
۷. فتحی واجارگاه، کورش. (۱۳۸۶). برنامه درسی به سوی هویت های جدی: شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی (جلداول). تهران: آبیژ.
۸. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۵). فرهنگ ملی، فرهنگ های قومی - جماعتی و بازار اقتصاد صنعتی جامعه شناسی ایران، (۱).
۹. کرمی، مرتضی، سیلانه، آمنه، پاک مهر، حمیده (۱۳۹۲). فرهنگ و برنامه درسی آموزش زبان انگلیسی، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات برنامه درسی، ۲۶ (۷): ۱۲۷-۱۴۸.
۱۰. ملکی، حسن. (۱۳۸۸). دیدگاه برنامه درسی فطری - معنوی «مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۳). برنامه درسی: دیدگاه ها، رویکردها و چشم اندازها. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۲. میرشمشیری، مرجان. (۱۳۸۸). برنامه درسی به عنوان فرهنگ. گردآورنده محمود مهرمحمدی، برنامه درسی، نظرها، رویکردها و چشم اندازها، ویراست دوم، مشهد: به نشر: ۱۵۹-۱۶۹.

ب. انگلیسی

13. Bourdieu, P., Passeron, J., & Martin, M.S. (1997). Academic discourse: Linguistic misunderstanding and professorial power. California: Stanford University Press
14. Carter, R. T. (2000). Reimagining race in education: A new paradigm from psychology. Teachers College Record, 102(5): 864° 897.
15. Dornyei, Z. (2003) . Attitudes, Orientations, and Motivations in Language Learning: Advances in Theory, Research, and Applications, School of English Studies, University of Nottingham, University Park, Nottingham NG7 2RD, United Kingdom. Internet

16. Fernandez, M.(2010). The responsibility for multicultural education: an ethics of teaching and learning . Retrieved from <http://www.Scu.edu/ethics>.
17. Pinar, W. F. (1993). Understanding Curriculum as Racial Text. (edited With Louis A . Ccastenell, jr.). Albany, NY: state University of new York Press.
18. Portes. A. (2000). The Two Meanings of Social Capital1, Sociological Forum, 15(1): 1-12.
19. Weininger. E. B., Lareau .A. (2007). Cultural Capita. In Encyclopedia of Sociology. Ed. George Ritzer. Oxford, UK: Blackwell.
20. Willinsky, J. (2006). Curriculum, After Culture, Race, Nation., studies in the cultural politics of education, 20(1) :89-112
21. Wubbolding, Robert. E. (2011). Reality Therapy, Washengton: American psychology association.

